

مسئلتین

پرسش و پاسخ مربوط به مسائل شرعی مبتلا به در اردوهای جهادی
مطابق با استفتائات مقام معظم رهبری  مُلَّة



درسیست و پنجم / ۳۰۱

الفصل الخامس

في استحالة الدور والتسلسل في العلة

أنا استحالة الدور - هو توقف وجود الشيء على ما يتوقف عليه وجوده،
إما بلا واسطة، وهو الدور المصريح، وإما بواسطة أو أكثر، وهو الدور الضمني
فلا بد من توقف وجود الشيء على نفسه، ولأزمة تقدم الشيء على نفسه
والوجود، لتقدم وجود العلة على وجود المعلول بالضرورة.
وأما استحالة التسلسل - وهو ترتيب العلة لا إلى نهاية، فمن أسد البراهين
عقلية، وعلة عطية، وأخذنا هذه الجملة، وجدنا كلاً من الثلاث مغلولة،
فإذا فرضنا معلولاً معلولاً، ثم إذا فرضنا المعلول الفروض، معلول فقط، وعلة له،
معلولة، لا قبلها، وعلة العلة، علة فقط غير معلولة، فكان ما هو معلول فقط
طراً، وما هو علة فقط طراً آخر، وكان ما هو علة معلولاً، ومعلول معاً وسطاً بين
الطرفين، ثم إذا فرضنا الجملة أربعة مترتبة، وكان ما هو معلول فقط
الطرفين، وكان الإنسان الواعيان بين الطرفين مشتركين في حكم الأوسط، وهو
أن ما لا نهاية له كان الأمر جارياً على مجرى واحد، وكان مجموع ما بين
بعض العلة التي كمل واحد من أحاديها علة ومعلول معاً، وسطاً له
سلسلة من العلة مترتبة إلى غير النهاية، كان ما وراء المعلول
علة غير المتناهية وسطاً لا طرف له، وهو محال.
فإن جرى في كل سلسلة مترتبة من العلة التي لا تفارق
أولها، سواء كانت تامة أو ناقصة، دون العلة المبدئية.

/ ۳۰۰

برهان آخر:

حاجة الماهية المعلولة إلى الئمة ليست إلا حاجة وجودها إلى الئمة،
ولست الحاجة خارجة من وجودها، فهي أن يكون هناك «وجود» و
«حاجة»؛ بل هي مستترة في حد ذات وجودها، فوجودها عن الحاجة
والارتباط؛ فهو «وجود رابط» بالنسبة إلى علة، لا استقلال له ذاتاً، وفي
مقومة له؛ وما كان هذا شأنه استحال أن يوجد إلا مستتباً بعلة، مستتباً
عليها، فينبذ وجود المعلول بحسب وجود علة؛ وهو المطلوب.

الفصل الرابع

إفاعة «الواحد»

بسم الله الرحمن الرحيم



یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن، رعایت حدود الهی و پایبندی به حلال و حرام دین است که در اصطلاح به آن احکام شرعی می‌گویند.

اسلام در تمام حالات و مراحل زندگی انسان، احکامی در نظر گرفته و او را مکلف به رعایت آن دانسته و سعادت او را در سایه سار رعایت آن‌ها تضمین کرده است.

شرکت در اردوهای جهادی یکی از بهترین حالات و فصول زندگی انسان مؤمن است که توفیق آن شامل هر کسی نمی‌شود و این حرکت جهادگرانه به نوبه خود شایسته تقدیر است. برادران و خواهرانی که در اردوهای جهادی شرکت می‌کنند، با توجه به این که در موقعیت‌های خاصی از جمله مسافرت و عدم دسترسی به امکانات عادی زندگی قرار می‌گیرند، ممکن است با مسائل شرعی مختلفی مواجه شوند؛ دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه، برآن شد که برخی از عناوین احکام را که بیشتر مورد ابتلا است، براساس فتاوی‌ای مقام معظم رهبری (مدظله) استخراج و در اختیار عزیزان جهادگر قرار دهد.

پر واضح است که تمامی سؤالات شرعی عزیزان در این جزوه احصاء نشده است و چون این کار در ابتدای راه است نیاز به تکمیل و بروزرسانی‌های آتی دارد تا پاسخگوی تمام مسائل جهادگران در زمینه مسائل شرعی باشد؛ اما برای شروع، مواردی که بیشتر امکان مواجهه با آن‌ها وجود دارد، انتخاب و آماده‌سازی شده است. امید است که مخاطبان گرامی با پیشنهادات و انتقادات سازنده خود و انعکاس سؤالات و نیازمندی‌ها، در تکمیل این کتاب ما را یاری نمایند.

در پایان برای همه جهادگرانی که در عرصه آبادانی و محرومیت زدایی از کشور عزیزمان، به ندای ولی زمان خود لبیک گفته و تلاش می‌کنند، آرزوی صحت، توفیق و سعادت داریم.

۵	فصل اول: احکام تقلید
۹	فصل دوم: احکام طهارت
۹	احکام آبها
۱۱	احکام تخلی
۱۲	احکام وضو
۱۵	احکام غسل جنابت
۱۷	احکام تیمم
۱۹	احکام نجاسات
۲۰	فصل سوم: احکام نماز
۲۰	وقت نماز
۲۰	قبله
۲۱	مکان نمازگزار
۲۱	احکام مسجد
۲۳	لباس نمازگزار
۲۵	قرائت، ذکر و احکام آن
۲۶	سجده و احکام آن
۲۷	مبطلات نماز
۲۸	شکایات نماز
۲۹	نماز جماعت
۳۲	نماز مسافر
۳۳	نماز آیات
۳۵	سایر مسائل نماز
۳۶	فصل چهارم: موسیقی، غنا و رقص
۳۹	فصل پنجم: مسائل متفرقه
۳۹	عزاداری و اعیاد
۴۰	صدقه

- ٤٠ عاريه و وديعه
- ٤١ اموال و قوانين دولتي
- ٤٣ اصطلاح نامه فقهی

فصل اول: احکام تقلید

س ۱. آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می کند، گناهکار است؟

ج. اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار است.

س ۲. گاهی از افراد کم اطلاع از مسائل دینی درباره مرجع تقلیدشان پرسش می شود، می گویند نمی دانیم، یا اظهار می دارند که از فلان مجتهد تقلید می کنیم، ولی عملاً التزامی به خواندن رساله آن مجتهد و عمل به فتاوی او ندارند، اعمال این گونه افراد چه حکمی دارد؟

ج. اگر اعمال آنان موافق احتیاط یا مطابق با نظر مجتهدی باشد که در گذشته وظیفه تقلید از او را داشته یا اکنون وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است.

س ۳. با توجه به این که در مسائلی که مجتهد اعلم قائل به وجوب احتیاط است، می توانیم به مجتهد اعلم بعد از وی مراجعه کنیم، اگر اعلم بعد از او نیز قائل به وجوب احتیاط در مسأله باشد، آیا رجوع به اعلم بعد از او جایز است؟ و اگر فتوای مجتهد سوم هم همان گونه بود، آیا می توان به اعلم بعد از آنان مراجعه کرد؟ و همین طور... لطفاً این مسأله را توضیح دهید.

ج. در مسائلی که مجتهد اعلم احتیاط کرده، رجوع به مجتهدی که در آن مسأله احتیاط نکرده است و فتوای صریح دارد، با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم^۱، اشکال ندارد.

س ۴. از چه کسی باید تقلید کنیم؟

ج. از مجتهدی که جامع شرایط فتوا و مرجعیت است^۲، و بنا بر احتیاط باید اعلم هم باشد.

۱. منظور از عبارت، این است که بین مجتهدینی که می بایست بر اساس وظیفه به آنان مراجعه کرد، ترتیب را باید رعایت نمود؛ ابتدا مجتهد اعلم، بعد مجتهدی که از نظر علمی از ایشان پایین تر است و به همین ترتیب.

۲. این شرایط عبارتند از: عاقل بودن، بالغ بودن، مرد بودن، حلال زاده بودن، شیعه دوازده امامی بودن، زنده بودن و....

س ۵. بعد از احراز صلاحیت مجتهدی برای مرجعیت تقلید به وسیله شهادت دو فرد عادل، آیا لازم است در این باره از اشخاص دیگر نیز تحقیق کنیم؟

ج. شهادت دو فرد عادل و اهل خبره بر صلاحیت و جامع الشرایط بودن مجتهد برای جواز تقلید از او کافی است و تحقیق از افراد دیگر لازم نیست.

س ۶. راه های انتخاب مرجع و به دست آوردن فتوا کدام است؟

ج. احراز اجتهاد و اعلی‌ت مرجع تقلید به وسیله امتحان یا تحصیل یقین ولو از شهرت مفید علم یا اطمینان، یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می گیرد.

راه های به دست آوردن فتوای مجتهد عبارتند از:

۱. شنیدن از خود مجتهد.

۲. خبر دادن یک شخص عادل یا یک شخص مورد اطمینان از خود مجتهد یا از رساله قابل اطمینان او.

۳. مراجعه به رساله قابل اطمینان.

س ۷. آیا جایز است کسی که اجازه از مجتهد ندارد و در بعضی از موارد مرتکب اشتباه در نقل فتوا و احکام شرعی شده است، متصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی شود؟ وظیفه ما در صورتی که این شخص احکام را از روی رساله عملیه نقل می کند، چیست؟

ج. در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست، ولی اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، در صورت امکان باید اشتباه را برطرف کند. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند.

س ۸. آیا تغییر مرجع تقلید جایز است؟

ج. عدول از مجتهد زنده، به مجتهد زنده دیگر بنا بر احتیاط واجب جایز نیست مگر این که اعلم یا محتمل الاعلمیه باشد.

س ۹ و ۱۰.

(۱) در چه صورتی جایز است، مقلد از مرجع تقلیدش عدول کند؟

(۲) آیا عدول از اعلم به غیر اعلم در مواردی که فتاوی مرجع اعلم منطبق با زمان نباشد و یا عمل به آن بسیار دشوار باشد، جایز است؟

ج. (۱) عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر، جایز نیست علی الاحوط^۱، مگر در صورتی که مرجع دوم اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله ای مخالف فتوای مجتهد اول باشد.
(۲) تنها گمان به ناهماهنگی فتاوی مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوی او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی شود.

س ۱۱. احتیاط واجب چه معنایی دارد؟

ج. یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط.

س ۱۲. عبارت های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لایخلو من اشکال»، «لا اشکال فیه» فتواست یا احتیاط؟

ج. همه این عبارات ها دلالت بر احتیاط دارند، مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتواست.^۲

س ۱۳. فرق بین جایز نبودن و حرام چیست؟

ج. در مقام عمل بین آنها فرقی نیست.

۱. یعنی بنا بر احتیاط واجب.

۲. فتوا، یعنی بیان حکم بدون در نظر گرفتن ملاحظه ای دیگر؛ مثل: خواندن نماز واجب است. گرفتن و دادن ربا حرام است. (در هر شرایطی). احتیاط، بیان حکم است با ملاحظه مواردی که انجام آن ها مکلف را مطمئن می کند که به حکم الهی عمل کرده؛ مثلا: کسی به مسافرت رفته اما نمی داند مسافت شرعی را طی کرده که نمازش شکسته باشد یا نه، پس نمی داند نمازش شکسته است یا تمام؛ برای اطمینان به انجام تکلیف الهی نماز را هم تمام و هم شکسته می خواند اصطلاحاً می گویند احتیاط کرده است.

س ۱۴. گاهی از بعضی از مسئولین، مسأله ای به عنوان «ولایت اداری» شنیده می شود که به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض است. نظر جناب عالی در این باره چیست؟ و وظیفه شرعی ما کدام است؟

ج. مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد، جایز نیست. ولی در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری وجود ندارد.

س ۱۵. آیا اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟

ج. اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است، صادر کرده باشد، مخالفت با آن ها جایز نیست.

فصل دوم: احکام طهارت

احکام آبها

س ۱۶. اگر قسمت پایین آب خیلی کمی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می ریزد، با نجاست برخورد کند، آیا قسمت بالای این آب همچنان پاک باقی می ماند؟

ج. اگر سرازیری آب به گونه ای باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند، قسمت بالای آن پاک است.

س ۱۷. آیا گلیم یا فرش نجسی را که با آب لوله کشی متصل به منبع آب شهری شستشو می دهیم، به مجرد رسیدن آب لوله کشی به محل نجس، پاک می شوند یا باید آب غساله از آن جدا شود؟

ج. در تطهیر با آب لوله کشی، جدا شدن آب غساله شرط نیست، بلکه به مجرد رسیدن آب به مکان نجس، بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود به وسیله دست کشیدن بر فرش در هنگام اتصال آب، طهارت حاصل می شود.

س ۱۸. حکم وضو و غسل با آبی که به طور طبیعی غلیظ است چیست؟ مانند آب دریایی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است، مثل دریاچه ارومیه یا موارد دیگری که غلظت بیشتری دارند.

ج. مجرد غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی شود، و برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است.

۱. بارشیدن، تعلق گرفتن.

س ۱۹. آیا برای ترتب آثار کر بودن آب، علم به کر بودن آن واجب است یا این که بنا بر کر بودن آب کافی است؟ (مانند آب موجود در دست شویی های قطار و غیره)^۱

ج. اگر حالت سابقه ی کر بودن آب احراز شود، بنا گذاشتن بر کر بودن آن جایز است.

س ۲۰. در تطهیر، چه فرقی بین آب کر و آب جاری است؟

ج. هیچ تفاوتی با هم ندارند.

س ۲۱. برای پاک شدن کف پا یا کفش، راه رفتن به مقدار پانزده گام شرط است. آیا این کار باید بعد از زوال عین نجاست صورت بگیرد یا پانزده گام رفتن با وجود عین نجاست کافی است؟ آیا پس از آن که عین نجاست با پانزده گام از بین رفت، کف پا یا کفش پاک می شود؟

ج. کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او، نجس شده است هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، و عین نجس یا متنجس بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا به زمین از آن برطرف شود، کف پا یا ته کفش که نجس شده است پاک می شود.

س ۲۲. آیا کف پا یا ته کفش با راه رفتن روی زمینی که آسفالت شده، پاک می شود؟

ج. زمین های آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده کف پا یا ته کفش نیستند.

۱. منظور سوال این است که: اگر آبی در اختیار ما هست و بخواهیم آثار آب کر را داشته باشد، آیا واجب است که ما بدانیم کراسه یا همین که بنا بگذاریم کراسه کافی است؟ مثلاً آب در قطار را باید حتماً بدانیم کراسه تا بتوانیم آثار آب کر را بر آن بار کنیم یا این که بنا بر کر بودن آب بگذاریم کافی است؟

س ۲۳. عشایر به خصوص در ایام کوچ کردن، آب کافی برای تطهیر در اختیار ندارند، آیا چوب و سنگریزه برای تطهیر مخرج بول کفایت می کند؟ آیا آنان می توانند با این حال نماز بخوانند؟
ج. مخرج بول جز با آب پاک نمی شود. ولی نماز کسی که توانایی تطهیر بدن خود با آب را ندارد، صحیح است.

س ۲۴. حکم تطهیر مخرج بول و غائط با آب قلیل چیست؟
ج. برای طهارت مخرج بول با آب قلیل بعد از برطرف شدن بول دو بار شستن بنا بر احتیاط لازم است، و برای طهارت مخرج غائط شستن تا مقداری که عین نجاست و آثار آن از بین برود، لازم است.

س ۲۵. گاهی بدون اختیار از انسان بعد از بول و استبراء^۱ رطوبتی خارج می شود که شبیه بول است. آیا این رطوبت نجس است یا پاک؟ اگر انسان بعد از مدتی به طور اتفاقی متوجه این مسأله شود، نمازهای گذشته اش چه حکمی دارد؟ آیا از حالا به بعد بر او واجب است در مورد خروج این رطوبت غیر اختیاری بررسی نماید؟

ج. اگر بعد از استبراء رطوبتی خارج شود که بول بودن آن مشکوک باشد، حکم بول را ندارد و محکوم به طهارت است، و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست.

س ۲۶. اگر کاسه توالت ها در جهت مخالف سمتی که اعتقاد دارند قبله است، نصب شود و بعد از مدتی متوجه شویم که جهت کاسه با جهت قبله ۲۰ تا ۲۲ درجه تفاوت دارد. آیا تغییر جهت کاسه توالت واجب است یا خیر؟

ج. انحراف از قبله به مقداری که انحراف از سمت قبله بر آن صدق کند، کافی است و اشکال ندارد.

^۱ عملی است مستحبی که بعد از بول انجام می شود؛ توضیح بیشتر در پیوست همین کتاب موجود است.

احکام وضو

س ۲۷. به نیت طهارت برای نماز مغرب وضو گرفتم، آیا برای من با این وضو مس^۱ قرآن کریم و خواندن نماز عشا جایز است؟

ج. بعد از آن که وضو به طور صحیح محقق شد، تا زمانی که باطل نشده است، انجام هر عمل مشروط به طهارت، با آن جایز است.

س ۲۸. شخصی گفته است که هنگام وضو فقط باید دو مشت آب بر صورت ریخته شود، و اگر بار سوم آب ریخته شود وضو باطل خواهد بود. آیا این سخن صحیح است؟

ج. شستن اعضا در وضو، بار اول واجب و بار دوم جایز و بیش از آن مشروع نیست لکن ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است، پس اگر به قصد بار اول چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد.

س ۲۹. آیا چربی هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می آیند، مانع محسوب می شوند؟
ج. مانع محسوب نمی شود، مگر آن که به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

س ۳۰. مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام نمی دادم، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان را مسح می کردم؛ آیا این مسح صحیح بوده است؟ و در صورت عدم صحت، نمازهایی را که خوانده ام باید قضا کنم؟

۱. تماس دست با خطوط قرآن.

ج. اگر مسح پا شامل سر انگشتان پا نباشد، وضو باطل و قضای نمازهای خوانده شده، واجب است. ولی اگر انسان شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می کرده است یا نه؟ در صورتی که مسأله را می دانسته و احتمال می دهد که از سر انگشتان مسح کرده باشد وضو و نمازهای خوانده شده محکوم به صحت هستند.

س ۳۱. آیا شخصی که وضو می گیرد، مستحب است هنگام مسح قسمت پایین انگشتان پا یعنی جایی را که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می کند، مسح نماید؟

ج. محل مسح پا عبارت است از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق، و استحباب مسح پایین انگشتان پا ثابت نشده است.

س ۳۲. آیا برای مسح می توان از غیر آب وضو استفاده کرد؟ و همچنین آیا مسح سر حتماً باید با دست راست و از بالا به پایین باشد؟

ج. مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دست ها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده باید از ریش یا ابرو رطوبت گرفته و مسح نماید و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

س ۳۳. بعضی از زن ها ادعا می کنند که وجود رنگ روی ناخن مانع وضو نیست و مسح روی جوراب نازک هم جایز است. نظر شریف جناب عالی در این باره چیست؟

ج. در صورتی که رنگ دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می باشد و وضو باطل است و مسح بر جوراب هر قدر هم نازک باشد، صحیح نیست.

س ۳۴. آیا در مسح سر، مرطوب شدن مو کافی است یا این که رطوبت باید به پوست سر هم برسد؟

ج. مسح سر را می تواند بر روی پوست و یا موی قسمت جلوی سر بکشد، ولی اگر موی جاهای دیگر سر در قسمت جلو جمع شده باشد یا موی جلوی سر به قدری بلند باشد که بر

روی صورت یا شانه ها ریخته شده است، مسح بر آن کافی نیست و باید فرق سر را باز کرده پوست یا بن موها را مسح کند.

س ۳۵. ایجاد فاصله زمانی در شستن اعضا هنگام وضو یا غسل، چه حکمی دارد؟

ج. فاصله زمانی (عدم موالات) در غسل اشکال ندارد. ولی در وضو اگر فاصله به مقداری باشد که اعضای قبلی خشک شوند، وضو باطل است.

س ۳۶. شخصی غسل جنابت نموده و بعد از گذشت سه تا چهار ساعت می خواهد نماز بخواند، ولی نمی داند غسلش باطل شده است یا خیر؟ اگر احتیاطاً وضو بگیرد، اشکال دارد یا خیر؟

ج. در فرض مذکور وضو واجب نیست، ولی احتیاط هم مانعی ندارد.

س ۳۷. آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح، برای وضو ضرر دارد؟

ج. واجب است که محل مسح از آن قطرات خشک شود تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه بر عکس.

س ۳۸. کسی که در اعضای وضوی او زخم یا شکستگی باشد، چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر در اعضای وضو زخم یا شکستگی است و روی آن باز باشد و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید، و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، دست تر بر آن بکشد.

س ۳۹. کسی که محل مسح او زخم است، چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر نمی تواند روی زخم محل مسح دست تر بکشد باید به جای وضو تیمم کند. ولی در صورتی که می تواند پارچه ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد، احتیاط آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

س ۴۰. آیا جوهر از موانعی است که وجود آن بر روی دست باعث بطلان وضو می شود؟

ج. اگر جوهر دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود، وضو باطل است، و تشخیص این موضوع بر عهده مکلف می باشد.

احکام غسل جنابت

س ۴۱. آیا شخص جنب می تواند در صورت تنگی وقت با تیمم و نجاست بدن و لباس نماز بخواند یا این که باید بعد از تطهیر و غسل، نماز را قضا نماید؟

ج. اگر وقت به مقداری نیست که بدن و لباسش را تطهیر کند و یا لباس خود را عوض نماید و به علت سردی هوا و مانند آن نمی تواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی است و قضای آن بر او واجب نیست.

س ۴۲. در چه صورتی حکم می شود که رطوبت خارج شده از مرد منی است؟

ج. در مردی که سالم است اگر همراه با شهوت، جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد.

س ۴۳. آیا رطوبتی که از انسان در حال خواب خارج می شود، حکم منی را دارد؟ با آن که می دانیم هیچ یک از علامت های سه گانه (جستن، شهوت و سستی بدن) را ندارد و شخص هم متوجه آن نمی شود مگر وقتی که بعد از بیداری لباس های زیر خود را مرطوب ببیند.

ج. اگر علائم سه گانه یا یکی از آن ها وجود نداشته باشد و یا شک در آن باشد، حکم منی را ندارد مگر این که از راه دیگری یقین کند که منی است.

س ۴۴. گاهی اثر گچ یا صابون بعد از غسل کردن در اطراف ناخن های دست و پا مشاهده می شود که در حمام هنگام غسل دیده نمی شد، ولی بعد از خروج از حمام و دقت، سفیدی صابون یا گچ آشکار می شود. در این حال تکلیف چیست؟ در حالی که بعضی از افراد هنگام غسل و وضو به این مسأله جاهل هستند و یا توجهی به آن ندارند و با فرض وجود اثر گچ یا صابون یقین به رسیدن آب به زیر آن حاصل نمی شود.

ج. مجرد وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضا ظاهر می شود، ضرری به وضو یا غسل نمی رساند، مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست شود.

س ۴۵. اگر از کسی که مشغول غسل جنابت است، حدث اصغر سر بزند، آیا باید دوباره غسل نماید یا آن که غسل را تمام کند و وضو بگیرد؟

ج. حدث اصغر در اثنای غسل به صحت غسل ضرر نمی رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند، ولی چنین غسلی کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی کند.

س ۴۶. کسی که غسلهای متعددی اعم از واجب یا مستحبّ بر ذمه^۱ او باشد، آیا یک غسل، کفایت از غسل های دیگر می کند؟

ج. اگر به نیت همه آن ها یک غسل به جا آورد، کفایت می کند و اگر در بین آن ها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند، از بقیه غسلها هم کفایت می کند. اگرچه احتیاط این است که همه آن ها را نیت نماید.

س ۴۷. غیر از غسل جنابت، آیا بقیه غسلها هم کفایت از وضو می کنند؟
ج. کفایت نمی کنند.

^۱ . بر عهده او باشد.

س ۴۸. اگر چیزهایی مثل خاک، گچ، سنگ که تیمم بر آن ها صحیح است، به دیوار چسبیده باشند، آیا تیمم بر آن ها صحیح است یا آن که حتماً باید بر روی زمین باشند؟
ج. در صحت تیمم، بودن آن ها بر روی زمین شرط نیست.

س ۴۹. در صورتی که جنب بر اثر عدم امکان رسیدن به حمام، چند روزی جنابتش استمرار داشته باشد، اگر بعد از نمازی که با تیمم بدل از غسل خوانده است، حدث اصغری از او سر بزند، آیا برای نماز بعدی باید دوباره تیمم بدل از غسل نماید؟ یا آن که همان تیمم اول از جهت جنابت کفایت می کند، و برای نمازهای بعدی از جهت حدث اصغر وضو یا تیمم واجب است؟

ج. شخص جنب پس از آن که به طور صحیح تیمم بدل از غسل جنابت کرد، اگر حدث اصغر از او سر بزند، تا زمانی که عذر شرعی مجوز تیمم برطرف نشده است، بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.

س ۵۰. کسی که فاقد آب است و یا استعمال آب برایش ضرر دارد، آیا در صورت تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز جماعت برای او جایز است؟ قرائت قرآن کریم چه حکمی دارد؟

ج. تا زمانی که عذر مجوز تیمم باقی است و تیمم او باطل نشده، انجام همه اعمال مشروط به طهارت برای او جایز است.

س ۵۱. رطوبتی از انسان در حال خواب خارج می شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نمی آورد ولی لباس خود را مرطوب می بیند و وقت هم برای به یاد آوردن ندارد زیرا نماز صبح او قضا می شود. وظیفه انسان در این حالت چیست؟ چگونه نیت تیمم بدل از غسل نماید؟ حکم اصلی در این باره چیست؟

ج. اگر می داند که محتلم شده، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، ولی در صورت شک در احتلام و جنابت، حکم جنابت بر آن جاری نمی شود.

س ۵۲. کیفیت تیمم چگونه است؟ آیا فرقی بین تیمم بدل از وضو و غسل هست؟

ج. تیمم بدین ترتیب است: ابتدا باید نیت نماید و سپس تمام کف هر دو دست را با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و کف هر دو دست را با هم به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی بکشد، و سپس کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست و کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ، بکشد و احتیاط واجب این است که بار دیگر دست ها را بر آنچه که تیمم بر آن صحیح است بزند و سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد. این ترتیب در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.

س ۵۳. تیمم بر سنگ گچ و آهک و پخته شده آن ها و آجر چه حکمی دارد؟

ج. تیمم بر هر آن چه از زمین محسوب شود مانند سنگ گچ و سنگ آهک، صحیح است. و بعید نیست، تیمم بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آن ها هم صحیح باشد.

س ۵۴. شخصی به خاطر تنگی وقت، نمازش را با تیمم خوانده است. بعد از فراغت از نماز برای او آشکار می شود که وقت برای وضو داشته است. نماز او چه حکمی دارد؟

ج. اعاده^۱ آن نماز بر او واجب است.

س ۵۵. آیا جایز است زنی که در حال حیض و یا نفاس است داخل حرم امام زادگان (ع) شود؟

ج. جایز است.

^۱ . دوباره عمل را انجام دادن.

س ۵۶. آیا اثر کم رنگ خون که بعد از شستن بر لباس باقی می ماند، نجس است؟

ج. اگر عین خون نباشد و فقط رنگ آن باقی مانده باشد، پاک است.

س ۵۷. لکه خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود، چه حکمی دارد؟

ج. محکوم به طهارت است، ولی خوردن آن حرام است.

س ۵۸. آیا فضله پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ و زاغ و عقاب نجس است؟

ج. مدفوع حیوانات حلال گوشت از پرندگان و غیره و همچنین مدفوع پرندگان حرام گوشت پاک است.

فصل سوم: احکام نماز

وقت نماز

س ۵۹. چه مقدار از نماز اگر در وقت ادا واقع شود، نیت ادا صحیح است؟ در صورت شک در این که این مقدار، داخل وقت واقع شده یا خیر، وظیفه چیست؟

ج. وقوع یک رکعت نماز در داخل وقت برای این که نماز، ادا محسوب شود، کافی است و در صورت شک در این که وقت لااقل به مقدار یک رکعت باقی است یا خیر، نماز را به قصد مافی الذمه^۱ بخوانید.

س ۶۰. آیا نماز کسی که نماز دوم را بر اولی مقدم داشته، مثلاً نماز عشا را جلوتر از مغرب خوانده، صحیح است؟

ج. اگر بر اثر اشتباه یا غفلت نماز دوم را مقدم داشته و بعد از تمام شدن نماز متوجه شده، نماز او صحیح است. ولی اگر عمدی بوده، باطل است.

قبله

س ۶۱. اگر انسان در وضعیتی باشد که اصلاً جهت قبله را نداند و گمانش نیز به هیچ طرف نرود، وظیفه اش نسبت به نماز چیست، یعنی به کدام جهت نماز بخواند؟

ج. در مفروض سؤال بنا بر احتیاط باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر برای چهار نماز وقت ندارد، به هر اندازه که وقت دارد، نماز بخواند.

^۱. آن چه در واقع برعهده مکلف است.

مکان نمازگزار

س ۶۲. آیا این گفته که باید مردان هنگام نماز جلوتر از زنان بایستند، صحیح است؟
ج. بنا بر احتیاط واجب لازم است بین زن و مرد در حال نماز، حداقل یک وجب فاصله باشد و در این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد نماز هر دو صحیح است.

س ۶۳. اگر مکان نمازگزار پاک نباشد ولی محل سجده پاک باشد، آیا نماز صحیح است؟
ج. اگر نجاست مکان نمازگزار به لباس یا بدن وی سرایت نکند و محل سجده هم پاک باشد، نماز در آن مکان اشکال ندارد.

س ۶۴. در جاده ها رستورانهایی وجود دارد که در کنار آن ها مکان هایی برای خواندن نماز قرار دارد، اگر کسی در آن رستوران غذا نخورد، آیا جایز است در آن مکان ها نماز بخواند یا این که ابتدا باید اجازه بگیرد؟

ج. اگر احتمال دهد نماز خانه ملک صاحب رستوران است و استفاده از آن مخصوص کسانی است که در آن رستوران غذا می خورند، باید اجازه بگیرد.

احکام مسجد

س ۶۵. اگر مسجدی مجاور حسینیه ای باشد، آیا اقامه نماز جماعت در حسینیه صحیح است و آیا ثواب آن در هر دو برابر است؟

ج. شکی نیست که فضیلت نماز در مسجد بیشتر از فضیلت نماز در غیر مسجد است، ولی خواندن نماز جماعت در حسینیه یا در هر مکان دیگری فی نفسه اشکال شرعی ندارد.

س ۶۶. نماز خواندن در مسجدی که سازندگان آن ادعا می کنند که آن را برای خود و قبیله خود ساخته اند، چه حکمی دارد؟

ج. مسجد پس از آن که به عنوان مسجد ساخته شد، اختصاص به قوم و گروه و قبیله و اشخاص خاصی ندارد و همه مسلمانان می توانند از آن استفاده نمایند.

س ۶۷. آیا زن ها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه؟

ج. فضیلت خواندن نماز در مسجد مختص مردان نیست.

س ۶۸. آیا انجام تمرین های ورزشی در مسجد محل یا خوابیدن در آن جایز است؟ این کارها در مسجدهای دیگر چه حکمی دارد؟

ج. مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد، باید پرهیز شود، و خوابیدن در مسجد هم مکروه است.

س ۶۹. آیا نمایش فیلم های سینمایی که توسط وزارت ارشاد اسلامی ایران توزیع می شود، در مسجد برای شرکت کنندگان در جلسات قرآنی، اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج. تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم های سینمایی جایز نیست، ولی نمایش فیلم های مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به مناسبت خاصی و بر حسب نیاز و تحت نظارت امام جماعت مسجد اشکال ندارد.

س ۷۰. آیا پخش موسیقی شاد از مسجد به مناسبت جشن میلاد ائمه معصومین (علیهم السلام) شرعاً اشکال دارد؟

ج. واضح است که مسجد جایگاه شرعی خاصی دارد، لذا اگر پخش موسیقی در آن منافی با حرمت مسجد باشد، حرام است، حتی اگر از نوع موسیقی حلال باشد.

س ۷۱. اگر مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد، آیا اجازه گرفتن از حاکم شرع یا وکیل او واجب است؟

ج. اگر تعمیر، داوطلبانه و تبرّعی (از مال شخصی افراد خیر) باشد، نیازی به اجازه حاکم شرع نیست.

س ۷۲. در روستایی مسجد نوسازی وجود دارد که در مکان مسجد قبلی بنا شده است. در گوشه ای از این مسجد که زمین آن جزء مسجد قبلی است، بر اثر جهل به مسأله، اتاقی برای تهیه چای و مانند آن و کتابخانه ای در نیم طبقه قسمتی از شبستان مسجد در داخل شبستان مسجد ساخته شده است. خواهشمندیم نظر خود را در این باره و مسأله تکمیل و کیفیت استفاده از نصف دور داخلی مسجد، بیان فرمایید.

ج. ساختن اتاق مخصوص چای در محل مسجد قبلی صحیح نیست و واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد. نیم طبقه داخل شبستان مسجد هم در حکم مسجد است و همه احکام و آثار شرعی آن را دارد، ولی نصب قفسه های کتاب و حضور در آن جا برای مطالعه اگر مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند اشکال ندارد.

س ۷۳. در یکی از روستاها مسجدی وجود دارد که رو به خرابی است، ولی دلیلی برای خراب کردن آن وجود ندارد، زیرا مانع استمرار جاده نیست. آیا تخریب آن به طور کامل جایز است؟ همچنین این مسجد دارای مقداری اثاثیه و اموال است، این ها باید به چه کسی داده شوند؟

ج. تخریب و ویران کردن مسجد جایز نیست و به طور کلی خراب کردن مسجد آن را از مسجد بودن خارج نمی کند. اثاث و لوازم مسجد اگر مورد استفاده در آن مسجد نباشد، بردن آن به مساجد دیگر برای استفاده از آن ها اشکال ندارد.

لباس نمازگزار

س ۷۴. آیا نماز خواندن در لباسی که شک در نجس بودن آن دارم، صحیح است؟

ج. لباسی که نجس بودن آن مشکوک است، اگر سابقه نجاست نداشته، محکوم به طهارت بوده و نماز خواندن با آن صحیح است.

س ۷۵. اگر نمازگزار یقین داشته باشد که نجاستی بر بدن یا لباسش وجود ندارد و نماز بخواند، بعداً معلوم شود که بدن یا لباس او نجس بوده است. آیا نماز وی باطل است؟ اگر در حین نماز نجاست حاصل شود، نماز او چه حکمی دارد؟

ج. اگر اصلاً علم به نجس بودن لباس یا بدن نداشته باشد و بعد از نماز متوجه آن شود، نماز او صحیح است و اعاده و قضا واجب نیست. ولی اگر در اثناء نماز نجاست عارض شود، اگر برای وی ازاله نجاست از بدن یا در آوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد، ممکن باشد، باید نجاست بدن را برطرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید و اگر برطرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و وقت هم وسعت دارد، واجب است که نماز را قطع کند و با بدن و لباس پاک آن را اعاده نماید.

س ۷۶. اگر نمازگزار دستمال و امثال آن را که با خون نجس شده اند، حمل کند و یا در جیب خود بگذارد، آیا نماز او باطل است؟

ج. اگر دستمال به قدری کوچک باشد که نتوان عورت را با آن پوشاند، همراه بودن آن در نماز اشکال ندارد.

س ۷۷. زنان چه مقدار از بدن خود را باید هنگام نماز بپوشانند؟ آیا پوشیدن لباس های آستین کوتاه و نپوشیدن جوراب اشکال دارد؟

ج. بر زنان واجب است در نماز تمام بدن و موی خود را به غیر از صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دست ها تا مچ و پاها تا مچ پا با پوششی که کاملاً بدن را می پوشاند، بپوشانند و در حضور نامحرم پاها را نیز باید بپوشانند.

س ۷۸. آیا بر زنان پوشاندن روی پاها هنگام نماز واجب است؟

ج. پوشاندن پاها تا مچ پا در صورتی که نامحرم حاضر نباشد، واجب نیست.

س ۷۹. آیا وجود مو یا آب دهان گربه در لباس نمازگزار باعث بطلان نماز او می شود؟

ج. بله، موجب بطلان نماز است.

قرائت، ذکر و احکام آن

س ۸۰. نمازی که قرائت آن بلند خوانده نشده باشد، چه حکمی دارد؟

ج. بر مردان واجب است که حمد و سوره را در نمازهای صبح و مغرب و عشا بلند بخوانند. اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله آهسته بخوانند، نماز صحیح است، ولی اگر از روی علم و عمد باشد، نماز باطل است.

س ۸۱. می دانیم که یک رکعت از نماز متشکل از نیت، تکبیرة الاحرام، حمد، سوره، رکوع و سجده است، و از طرف دیگر در نماز ظهر و عصر و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت سوم و چهارم نماز عشا آهسته خواندن واجب است. ولی در نماز جماعتی که از رادیو و تلویزیون مستقیماً پخش می کنند، مشاهده می شود که امام جماعت ذکر رکوع و سجده رکعت سوم را بلند می خواند. با توجه به این که آن رکوع و سجده دو جزء رکعتی هستند که آهسته خواندن در آن واجب است، این مسأله چه حکمی دارد؟

ج. وجوب بلند خواندن در نمازهای مغرب و عشا و صبح و وجوب آهسته خواندن در نماز ظهر و عصر، مختص به قرائت حمد و سوره است. همان گونه که وجوب آهسته خواندن در غیر از دو رکعت اول نماز مغرب و عشا، فقط مخصوص قرائت حمد یا تسبیحات در رکعت سوم و چهارم است. ولی در ذکر رکوع و سجده و تشهد و سلام و دیگر ذکرهای واجب در نمازهای پنجگانه، مکلف بین آهسته یا بلند خواندن مخیر^۱ است.

^۱ . یعنی اختیار دارد به هر صورت خواست بخواند.

س ۸۲. آیا ادای کامل الفاظ عربی در نماز واجب است؟ آیا اگر کلمات به صورت عربی صحیح و کامل تلفظ نشود، نماز محکوم به صحت است؟

ج. واجب است که همه ذکرهای واجب نماز از قبیل قرائت حمد و سوره و غیر آنها به طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمیداند، واجب است که یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است، و باید هر طور که میتواند بخواند، و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

س ۸۳. آیا بانوان می توانند، حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشا را بلند بخوانند؟

ج. می توانند بلند یا آهسته بخوانند ولی اگر نامحرم صدایشان را می شنود، بهتر است آهسته بخوانند.

س ۸۴. اگر شخصی سهواً در سجده ذکر رکوع را بگوید و یا بر عکس، در رکوع ذکر سجده را بگوید و در همان حال متوجه اشتباه خود شده و آن را اصلاح نماید، آیا نماز او باطل است؟
ج. اشکال ندارد و نمازش صحیح است.

س ۸۵. آیا یک بار گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کافی است؟

ج. کافی است، هرچند احتیاط این است که سه مرتبه گفته شود.

سجده و احکام آن

س ۸۶. سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک چه حکمی دارد؟

ج. سجده و تیمم بر آن دو اشکال ندارد. اگرچه احوط ترک تیمم بر سیمان و موزائیک است.

س ۸۷. آیا سجده بر مهر که سیاه و چرک شده، به طوری که لایه ای از چرک روی آن را پوشانده و مانع چسبیدن پیشانی روی مهر است، اشکال دارد؟

ج. اگر چرک روی مهر به مقداری باشد که حائل بین پیشانی و مهر شود، سجده و نماز باطل است.

س ۸۸. زنی هنگام سجده، سر خود را روی مهر گذاشته، متوجه می شود که پیشانی وی به طور کامل با مهر تماس ندارد، زیرا چادر یا روسری وی مانع از تماس کامل پیشانی با مهر است، لذا سرش را از روی آن بلند کرده و بعد از رفع مانع دوباره روی مهر گذاشته است، نماز او چه حکمی دارد؟ اگر عمل وی سجده مستقلاً محسوب شود، نمازهایی که خوانده است، چه حکمی دارد؟

ج. واجب است بدون این که سر خود را از زمین بلند کند، پیشانی اش را حرکت دهد یا مانع را از زیر پیشانی بکشد تا حداقل به اندازه سر انگشت روی مهر قرار بگیرد. اگر بلند کردن پیشانی از زمین برای سجده روی مهر بر اثر جهل یا فراموشی بوده و این عمل را فقط در یکی از دو سجده یک رکعت انجام می داده، نمازش صحیح است و اعاده واجب نیست. ولی اگر این کار با علم و عمد بوده و یا در هر دو سجده یک رکعت آن را انجام داده، نمازش باطل و اعاده آن واجب است.

مبطلات نماز

س ۸۹. هنگام شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت، بعد از قرائت سوره حمد توسط امام جماعت، کلمه «آمین» با صدای بلند و به صورت دسته جمعی گفته می شود، این کار چه حکمی دارد؟

ج. اگر مقتضای تقیه، گفتن آمین باشد، اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

س ۹۰. آیا اگر کسی هنگام نماز به خاطر یادآوری حرف خنده دار یا پیدایش حالت خنده آوری بخندد، نمازش باطل می شود یا خیر؟

ج. اگر خنده با صدا (یعنی قهقهه) و عمدی باشد، نماز باطل است.

س ۹۱. گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می شویم که در حال انجام کار خطرناکی است، آیا جایز است بعضی از کلمات سوره حمد یا سوره دیگر یا بعضی از ذکرها را بلند بخوانیم تا کودک یا کسانی که در خانه هستند، متوجه شوند و خطر رفع گردد؟ اگر هنگام قیام نماز دست یا ابرو را برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او تکان دهیم، آن نماز چه حکمی دارد؟

ج. اگر بلندکردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، موجب خروج از هیأت نماز نشود، اشکال ندارد. مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد، و حرکت دادن دست یا چشم و ابرو اگر مختصر و به نحوی باشد که با استقرار و آرامش و یا هیأت نماز منافات نداشته باشد، موجب بطلان نماز نمی گردد.

شکایات نماز

س ۹۲. اگر کلمه ای از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعاهای قنوت، سهواً غیر عمدی، اتفاقی [غلط خوانده شود، آیا سجده سهو واجب می شود؟

ج. واجب نیست.

س ۹۳. برای مکلف دانستن تعداد رکعت های نماز احتیاط، که یک رکعت است یا دو رکعت، چگونه ممکن است؟

ج. تعداد رکعت های نماز احتیاط به مقدار کمبود احتمالی در نماز است. بنا بر این در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است؛ و در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته، واجب است.

نماز جماعت

س ۹۴. امام جماعت در نماز باید چه نیتی بکند؟ آیا نیت جماعت باید بکند یا نیت فردی؟

ج. اگر بخواهد فضیلت نماز جماعت را درک کند، باید قصد امامت و جماعت کند، و اگر بدون قصد امامت نماز، مشغول آن شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشکال ندارد.

س ۹۵. در اماکن نظامی هنگام برپایی نماز جماعت که در وقت اداری است، تعدادی از نظامیان به خاطر شرایط کاری در آن شرکت نمی کنند، با آن که انجام آن کارها بعد از وقت اداری و یا در روز بعد ممکن است. آیا این عمل سبک شمردن نماز است؟

ج. بهتر است برای درک فضیلت نماز اول وقت و جماعت، کارهای اداری به گونه ای تنظیم شود که آن ها بتوانند این فریضه الهی را به صورت جماعت و در کمترین مدت بخوانند.

س ۹۶. بعضی از اشخاص هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فردی می کنند، این کار چه حکمی دارد؟

ج. این عمل اگر تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند، محسوب شود، جایز نیست.

س ۹۷. اگر گاهی امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، آیا با این کار از عدالت ساقط می شود؟

ج. اگر مخالف شرع نباشد، ضرری به عدالت نمی زند.

س ۹۸. آیا اقتدا به امام جماعت بدون شناخت واقعی او جایز است؟

ج. اگر عدالت او نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.

س ۹۹. به نظر شما معنای عدالت چیست؟

ج. عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترک واجبات یا انجام محرمات شرعی است، و برای احراز آن، حسن ظاهر، کافی است.

س ۱۰۰. ما تعدادی جوان هستیم که در تکیه ها و حسینیه ها دور هم جمع می شویم و هنگام رسیدن وقت نماز فرد عادل را مقدم کرده و برای نماز به او اقتدا می کنیم. ولی بعضی از برادران به این کار اشکال نموده و می گویند امام راحل (ره) خواندن نماز پشت سر غیر عالم دینی را حرام می داند، وظیفه ما چیست؟

ج. با دسترسی به روحانی، به غیر روحانی اقتدا نکنند.

س ۱۰۱. آیا رضایت کسی که در نماز به او اقتدا می شود، شرط است؟ آیا اقتدا به مأموم صحیح است؟

ج. رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست، و اقتدا به مأموم تا وقتی که نمازش را به جماعت ادامه می دهد، صحیح نیست.

س ۱۰۲. آیا عدم رعایت ارتفاع محل نماز امام نسبت به مأمومین، موجب بطلان نماز آن ها می شود یا خیر؟

ج. اگر بلندی جایگاه امام نسبت به جایگاه مأمومین، بیشتر از حدی باشد که شرعاً مجاز است (یعنی به مقدار یک وجب و یا بیشتر باشد)، موجب بطلان نماز جماعت است.

س ۱۰۳. کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال این که امام در رکعت اول است، چیزی نخواند، آیا اعاده نماز بر او واجب است؟

ج. اگر قبل از رکوع متوجه شود قرائت واجب است، و اگر وقت ندارد باید فقط حمد را بخواند و در رکوع خود را به امام برساند، ولی اگر بعد از اینکه داخل رکوع شد متوجه شود، نماز او

صحیح است و چیزی بر او واجب نیست؛ هر چند احتیاط مستحب این است که دو سجده سه و برای ترک سهوی قرائت بجا آورد.

س ۱۰۴. قرائت بعضی از ائمه جماعات از جهت مخارج حروف صحیح نیست. آیا کسی که حروف را به طور صحیح از مخارج خود ادا می کند، می تواند به آنان اقتدا نماید؟ عده ای می گویند می توانید نماز را به جماعت بخوانید، ولی باید بعداً اعاده نمایید، من که فرصت اعاده ندارم، وظیفه ام چیست؟ آیا می توانم در نماز جماعت شرکت نموده ولی حمد و سوره را آهسته بخوانم؟

ج. اگر قرائت امام از نظر مأموم صحیح نباشد، اقتدا و نماز جماعت او باطل است و اگر نمی تواند نماز را اعاده کند، اقتدا نکردن اشکال ندارد، ولی آهسته خواندن در قرائت نمازی که باید بلند خوانده شود، برای اظهار اقتدا به امام جماعت صحیح و مجزی نیست.

س ۱۰۵. کیفیت اتصال و عدم اتصال صفوف زنان و مردان در نماز در صورت نبودن پرده و حائل چگونه است؟

ج. زنان می توانند پشت سر مردان بدون فاصله بایستند.

س ۱۰۶. آیا نماز جماعت پشت سر اهل سنت جایز است؟

ج. نماز جماعت برای حفظ وحدت اسلامی و پرهیز از وقوع در فتنه، جایز است.

س ۱۰۷. در مکان های مشارکت و رفت و آمد با برادران اهل سنت، هنگام شرکت در نمازهای روزانه، در بعضی از موارد مانند آنان عمل می کنیم، مثل نماز به صورت تکتف و عدم رعایت وقت و سجده بر فرش، آیا این نمازها احتیاج به اعاده دارند؟

ج. سجده بر فرش و تکتف در نماز جایز نیست، مگر اینکه تقیه آن را اقتضا کند.

س ۱۰۸. شرایط وجوب قصر^۱ بر مسافر در نمازهای چهار رکعتی کدام است؟

ج. امور هشتگانه ذیل است:

۱. سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم هشت فرسخ^۲ شرعی باشد، مشروط به این که رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد.

۲. از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد، بنا بر این اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته و یا قصد پیمودن کمتر از آن را داشته باشد و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جایی برود که فاصله آن با مکان اول کمتر از مسافت شرعی است، ولی از منزل تا آن جا به اندازه مسافت شرعی است، باید نمازش را تمام بخواند.

۳. در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی برنگردد، بنابر این اگر در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی شود، و نمازهایی را که به صورت قصر خوانده، بنابر احتیاط واجب باید دوباره به صورت تمام بخواند.

۴. قصد قطع سفر در اثنای پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا جایی که می خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند، نداشته باشد.

۵. سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد، بنا بر این اگر سفر معصیت و حرام باشد، اعم از این که خود سفر حرام باشد مثل فرار از جنگ یا هدف از سفر، کار حرامی باشد مثل سفر برای راهزنی، حکم سفر را ندارد و نماز تمام است.

۶. مسافر از کسانی که خانه بدوش هستند، نباشد مانند بعضی از صحرائشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابان ها گردش می کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند، می مانند.

^۱ خواندن نمازهای چهار رکعتی به صورت دو رکعتی در مسافرت را شکسته یا قصر گویند.

^۲ هر فرسخ حدوداً ۶ کیلومتر است.

۷. مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد مانند باربر، راننده و ملوان و غیره و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به اینهاست.

۸. به حدّ ترخّص برسد و منظور از حد ترخّص مکانی است که در آنجا صدای اذان متعارف و بدون بلندگوی شهر شنیده نمی شود.

س ۱۰۹. کسی که به جایی مسافرت کرده و نمی داند چه مقدار در آن جا خواهد ماند، ده روز یا کمتر، چگونه باید نماز بخواند؟

ج. وظیفه شخص مردد تا سی روز، قصر است و از آن به بعد باید نمازش را تمام بخواند، هرچند در همان روز بخواند برگردد.

نماز آیات

س ۱۱۰. نماز آیات چیست و علت شرعی وجوب آن کدام است؟

ج. نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت آن پنج رکوع و دو سجده دارد و اسباب شرعی وجوب آن عبارت است از: کسوف خورشید و خسوف ماه، اگرچه مقدار کمی از آن ها گرفته شود؛ زلزله و هر حادثه غیرعادی که باعث ترس بیشتر مردم شود مانند بادهای سیاه یا سرخ و یا زرد که غیرعادی باشند؛ تاریکی شدید، فرو رفتن زمین و ریختن کوه، صیحه آسمانی و آتشی که گاهی در آسمان ظاهر می شود. در غیر از کسوف و خسوف و زلزله، باید آن حادثه موجب ترس و وحشت بیشتر مردم شود، و حادثه ای که ترس آور نباشد و یا موجب ترس و وحشت افراد نادری گردد، اعتبار ندارد.

س ۱۱۱. نماز آیات چگونه باید خوانده شود؟

ج. به چند صورت می توان آن را بجا آورد:

صورت اول: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و حمد و سوره بخواند و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین طور ادامه دهد تا یک رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را بجا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

صورت دوم: در هر رکعت فقط یک حمد و سوره خوانده می‌شود؛ به این صورت که سوره را پنج قسمت کرده و بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و یک قسمت از سوره را (چه یک آیه باشد یا کمتر و یا بیشتر) می‌خواند و به رکوع می‌رود (البته بنا بر احتیاط واجب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نمی‌توان یک قسمت از سوره به حساب آورد و با آن رکوع کرد) و بعد از رکوع بدون اینکه حمد بخواند، قسمت دوم سوره و سپس رکوع دوم را انجام می‌دهد، و همین طور ادامه می‌دهد تا سوره‌ای که پیش از هر رکوع، یک قسمت از آن را خوانده، قبل از رکوع آخر تمام شود، سپس رکوع پنجم را به جا می‌آورد و به سجده می‌رود و پس از اتمام دو سجده، رکعت دوم را مانند رکعت اول انجام داده و تشهد را خوانده و سلام می‌دهد.

صورت سوم: یکی از رکعت‌ها را به یکی از دو صورت و رکعت دیگر را به نحو دیگر بجا آورد. صورت چهارم: سوره‌ای که قسمتی از آن را در قیام پیش از رکوع اول خوانده، در قیام پیش از رکوع دوم یا سوم یا چهارم تکمیل نماید که در این صورت واجب است بعد از سر برداشتن از رکوع، سوره‌ی حمد را در قیام بعدی اعاده نموده و یک سوره یا قسمتی از آن را قرائت کند و در این صورت واجب است که آن سوره را تا قبل از رکوع پنجم به آخر برساند.

س ۱۱۲. بعد از وقوع زلزله در منطقه‌ای، غالباً در مدت کمی ده‌ها پس لرزه رخ می‌دهد، حکم نماز آیات در این موارد چیست؟

ج. هر زلزله‌ای، چه شدید و چه خفیف، اگر زلزله مستقلاً محسوب شود، نماز آیات جداگانه‌ای دارد.

سایر مسائل نماز

س ۱۱۳. خواهشمندیم کیفیت نماز شب را به تفصیل برای ما بیان فرمایید.

ج. نماز شب یازده رکعت است، هشت رکعت آن که به صورت دو رکعتی دو رکعتی خوانده می شود، نماز شب نام دارد و دو رکعت آن نماز شفع است که مانند نماز صبح خوانده می شود، و یک رکعت هم نماز وتر نام دارد که در قنوت آن استغفار و دعا برای مؤمنین و طلب حاجات از خداوند متّان به ترتیبی که در کتاب های ادعیه ذکر شده، مستحبّ است.

س ۱۱۴. بعضی از رانندگان اتوبوس های مسافربری که بین شهرها رانندگی می کنند، به نماز مسافران اهمیتی نمی دهند و به تقاضای آنان برای توقف اتوبوس جهت ادای نماز، توجهی نمی کنند، لذا گاهی نماز مسافرین قضا می شود. وظیفه رانندگان اتوبوس ها در این باره چیست؟ مسافران نسبت به نمازشان چه وظیفه ای دارند؟

ج. بر مسافران واجب است که در صورت خوف از فوت وقت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت در خواست آنان واجب است، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت تکلیف مسافران اگر خوف فوت وقت داشته باشند این است که نماز را در اتوبوس در همان حال حرکت بخوانند و تا آن جا که امکان دارد جهت قبله، قیام، رکوع و سجود را رعایت کنند.

س ۱۱۵. اگر مشاهده کنم که شخصی بعضی از افعال نمازش را اشتباه انجام می دهد، وظیفه شرعی ام چیست؟

ج. چنانچه جهل او به اجزاء و شرایطی باشد که اخلال به آنها از روی جهل به صحت نماز ضرر نزند، آگاه کردن او واجب نیست، ولی اگر از اجزاء و شرایطی است که اخلال به آنها هر چند از روی جهل، موجب بطلان نماز و لزوم اعاده شود؛ مثل وضو، غسل، وقت، رکوع و سجود، در این صورت باید حکم صحیح را به او بگویید.

فصل چهارم: موسیقی، غنا و رقص

س ۱۱۶. ملاک تمییز موسیقی حلال از حرام چیست؟ و آیا موسیقی کلاسیک حلال است؟ بسیار مناسب است که معیار آن را بیان فرمایید.

ج. هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لهوی مضلّ عن سبیل الله^۱ باشد، موسیقی حرام محسوب می شود و فرقی نمی کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک. تشخیص موضوع هم موکول به نظر عرفی مکلف است و اگر موسیقی این گونه نباشد به خودی خود اشکال ندارد.

س ۱۱۷. منظور از موسیقی لهوی مضلّ عن سبیل الله چیست؟ و راه تشخیص موسیقی لهوی مضلّ از غیر آن چیست؟

ج. موسیقی لهوی مضلّ عن سبیل الله آن است که به سبب ویژگی هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی بندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع عرف است.

س ۱۱۸. غنا چیست؟ آیا غنا فقط شامل صدای انسان است یا این که شامل صداهای حاصل از آلات موسیقی هم می شود؟

ج. غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع همراه بوده و لهوی مضلّ عن سبیل الله باشد که خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است.

س ۱۱۹. آیا زدن بر ظرف ها و سایر وسایلی که جزء آلات موسیقی نیستند، در عروسی ها توسط زنان جایز است؟ اگر صدا به بیرون از مجلس برسد و مردان آن را بشنوند چه حکمی دارد؟

^۱. گمراه کننده از راه خدا.

ج. جواز این عمل بستگی به کیفیت نواختن دارد. اگر به شیوه متداول در عروسی های سنتی باشد و لهوی مضملاً محسوب نشود و فسادی هم بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد.

س ۱۲۰. گاهی از رادیو و تلویزیون آهنگ هایی پخش می شود که به نظر من مناسب با مجالس لهو و فسق هستند، آیا بر من واجب است که از گوش دادن به آن ها خودداری نموده و دیگران را هم از آن منع کنم؟

ج. اگر آنها را از نوع موسیقی لهوی مضملاً عن سبیل الله می دانید، جایز نیست به آنها گوش دهید، ولی نهی دیگران از باب نهی از منکر منوط [وابسته] به این است که احراز نمایید [دریابد، بفهمد] که آنان هم آهنگ های مزبور را از نوع موسیقی حرام می دانند.

س ۱۲۱. رقص محلی مرد برای مرد و زن برای زن و یا مرد در بین زنان و زن در بین مردان، چه حکمی دارد؟

ج. رقص مرد بنا بر احتیاط واجب حرام است و رقص زن برای زنان اگر عنوان لهو بر آن صدق کند مثل این که جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود، محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است؛ در غیر این صورت هم اگر به گونه ای باشد که باعث تحریک شهوت شده و یا مفسده ای بر آن مترتب شود و یا همراه با فعل حرام (مانند موسیقی و آواز حرام) باشد یا مرد نامحرمی حضور داشته باشد، حرام است.

س ۱۲۲. اگر رفتن به عروسی به خاطر احترام به عادت های اجتماعی باشد آیا به علت احتمال وجود رقص اشکال شرعی دارد؟

ج. اصل شرکت در عروسی هایی که احتمال رقص در آن ها وجود دارد تا زمانی که به عنوان تأیید مرتکب کار حرام محسوب نشود و موجب ابتلا به حرام هم نشود، اشکال ندارد.

س ۱۲۳. دست زدن همراه با شادی و خواندن و ذکر صلوات بر پیامبر اکرم و آل او (صلوات الله علیهم اجمعین) در جشن هایی که به مناسبت ایام ولادت ائمه معصومین (علیهم السلام) و اعیاد وحدت و

مبعث برگزار می شود چه حکمی دارد؟ اگر این جشن ها در مکان های عبادت مانند مسجد و نمازخانه های ادارات و مؤسسات دولتی و یا حسینیه ها برگزار شوند، حکم آن ها چیست؟

ج. به طور کلی کف زدن فی نفسه به نحو متعارف در جشن های اعیاد یا برای تشویق و تأیید و مانند آن اشکال ندارد ولی بهتر است فضای مجالس دینی به خصوص مراسمی که در مساجد و حسینیه ها و نمازخانه ها برگزار می شود، به ذکر صلوات و تکبیر معطر گردد تا انسان به ثواب آن ها برسد.

عزاداری و اعیاد

س ۱۲۴. باقی مانده اموالی که به عنوان هزینه های مراسم عاشورای امام حسین (ع) جمع آوری می شود، در چه موردی باید خرج شود؟

ج. می توان اموال باقی مانده را با کسب اجازه اهداء کنندگان آن ها در امور خیریه مصرف کرد و یا آن ها را برای مصرف در مجالس عزاداری آینده نگه داشت.

س ۱۲۵. آیا انشای عقد اخوت در ایامی غیر از روز عید غدیر خم جایز است؟

ج. انحصار آن به روز مبارک عید غدیر خم معلوم نیست هرچند اولی و احوط است.

س ۱۲۶. نظر حضرت عالی راجع به عید نوروز چیست؟ آیا همانند عیدهایی که مسلمانان آن ها را جدی می گیرند مثل عید فطر و قربان، از نظر شرعی ثابت شده است یا این که فقط روز مبارکی محسوب می شود مثل روز جمعه و مناسبت های دیگر؟

ج. هرچند نص معتبری^۱ مبنی بر این که عید نوروز از اعیاد دینی یا ایام مبارک شرعی باشد، وارد نشده است، ولی جشن گرفتن و دید و بازدید در آن روز، اشکال ندارد، بلکه از این جهت که صله رحم می باشد مستحسن است.

۱. آیه قرآن، روایت یا حدیثی که دلالت بر امر مشخصی دارد را نص در آن امر می گویند؛ مثلاً أقموا الصلوة نص در لزوم نماز است.

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆ صدقه

س ۱۲۷. وظیفه انسان در برابر گدایانی که در برابر دیگران دست دراز می کنند و زندگی خود را با گدایی اداره می نمایند و چهره جامعه اسلامی را مشوه جلوه می دهند، به خصوص بعد از اقدام دولت به جمع آوری آنان، چیست؟ آیا کمک به آنان جایز است؟

ج. سعی کنید صدقات را به فقرایی که متدین و عقیف هستند بدهید.

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆ عاریه و ودیعه

س ۱۲۸. در دوران خدمت سربازی لوازمی را از ارتش برای استفاده شخصی تحویل گرفتیم، ولی بعد از پایان مدت خدمت آن ها را تحویل ندادم. در حال حاضر وظیفه من نسبت به آن ها چیست؟ آیا ریختن پول آن ها به خزانه عمومی بانک مرکزی کفایت می کند.

ج. اگر اشیایی که از ارتش گرفته اید به عنوان عاریه بوده، واجب است عین آن ها را در صورتی که موجود باشند به مرکز خدمت خود برگردانید و اگر در اثر تعدی [زیاده روی] یا تفریط [کوتاهی] شما در حفظ آن ها هرچند بر اثر تأخیر در بازگرداندن از بین رفته باشند، باید مثل یا قیمت آن ها را به ارتش بدهید و در غیر این صورت چیزی بر عهده شما نیست.

س ۱۲۹. مبلغی از تبرعات [کمک های بلاعوض] اهالی محل را از هیأت امناء مسجد برای تعمیر مسجد و خرید مواد لازم برای بنایی مانند آهن و غیره، تحویل گرفتیم، ولی در راه همراه با وسایل شخصی ام مفقود شد، وظیفه من چیست؟

ج. اگر در نگهداری آن، کوتاهی و تعدی و تفریط نکرده اید، ضامن نیستید.

س ۱۳۰. چندین سال است که مقداری از اموال مربوط به بیت المال نزد من است و اکنون می خواهم خود را بریء الذمه^۱ نمایم، وظیفه من چیست؟

ج. اگر آن چه که از اموال بیت المال نزد شماست، از اموال دولتی مختص به اداره خاصی از اداره های دولتی باشد باید در صورت امکان به همان اداره برگردانید و الا باید به خزانه عمومی دولت تحویل بدهید.

س ۱۳۱. اگر شخصی مقداری حقوق یا مزایای خاصی که به طور قانونی به او اعطا شده از دولت طلب داشته باشد، ولی دلائل قانونی برای اثبات حق خود در اختیار نداشته باشد و یا قادر بر مطالبه آن نباشد، آیا جایز است به مقدار حق خود از اموال دولتی که در اختیار دارد به عنوان تقاص بردارد؟

ج. جایز نیست اموال دولتی را که به عنوان امانت در اختیار و تحت تصرف او هستند به قصد تقاص^۲ برای خود بردارد، در نتیجه اگر مال یا حقی از دولت طلب دارد و می خواهد آن را بگیرد برای اثبات و مطالبه آن باید از راه های قانونی اقدام نماید.

س ۱۳۲. اگر بعضی از مسئولین از بودجه ای که جهت خرید غذا و میوه برای میهمانهای رسمی اداری در اختیار آنان گذاشته می شود، سوءاستفاده کنند و آن را در موارد دیگری مصرف نمایند، این کار چه حکمی دارد؟

ج. مصرف نمودن اموال دولتی در غیر مواردی که اجازه داده شده، در حکم غصب است و موجب ضمان می باشد، مگر آن که با اجازه قانونی مقام مسئول بالاتر صورت بگیرد.

^۱. رها از حقی که به گردن آمده.

^۲. تلافی کردن؛ مقابله به مثل.

س ۱۳۴. از طرف نهادهای مربوطه ماشین‌هایی در اختیار مدیران مؤسسات و مسئولین نظامی قرار می‌گیرد تا از آن‌ها در امور اداری استفاده کنند، آیا شرعاً جایز است از آن‌ها برای کارهای شخصی و غیراداری استفاده شود؟

ج. جایز نیست مدیران و مسئولین و سایر کارمندان در هیچ یک از اموال دولتی تصرفات شخصی کنند مگر آن‌که با اجازه قانونی نهاد مربوطه باشد.

س ۱۳۵. آیا فروش آرد یارانه‌ای که از طرف دولت به نانوایی‌ها داده می‌شود، جایز است؟

ج. اگر نانوای از طرف دولت مجاز در فروش آرد نباشد، جایز نیست آن را بفروشد و خرید آن هم توسط مردم جایز نمی‌باشد.

س ۱۳۶. مخالفت با قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و به طور کلی همه قوانین دولتی چه حکمی دارد؟ و آیا موارد ترک عمل به قوانین از موارد امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شوند؟

ج. مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته‌اند و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه وضع شده‌اند، برای هیچ کس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت توسط فردی در این خصوص، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است (البته با وجود شرایط نهی از منکر).

تعریف برخی لغات و اصطلاحات فقهی:

تقلید: تبعیت از فتوای [دستورالعمل] مجتهد و عمل نمودن به آن.

تقلید ابتدائی: تقلید برای اولین بار.

بقاء بر تقلید میت: ادامه تقلید از مرجعی که دیگر زنده نیست.

تبعیض در تقلید: تقلید از چند مجتهد در ابواب مختلف فقه.

مجتهد: کسی که در مراتب علمی به درجه‌ای رسیده است که می‌تواند احکام اسلام را، [از أدله تفصیلی] استنباط کند.

مرجع تقلید: کسی که مکلف، در احکام شرعی خود از او تقلید می‌کند.

احتیاط: گاه در مقابل اجتهاد و تقلید به کار می‌رود که روشی است برای عمل کردن به احکام؛ به گونه‌ای که مکلف یقین داشته باشد به وظیفه‌اش عمل کرده است. و گاه در خصوص فتوا و حکم یک مسأله به کار می‌رود و آن رعایت نمودن همه جوانب آن مسأله است؛ به طوری که مکلف با انجام آن، یقین به فراغت ذمه پیدا کند.

یادآوری می‌شود که شیوه عمل در هر دو مورد یکی است؛ لکن محدوده احتیاط در مورد اول، کل احکام را شامل می‌شود، ولی در مورد دوم، نسبت به همان مسأله مورد نظر کاربرد دارد.

احتیاط واجب (لازم): احتیاطی است بدون همراه بودن با فتوا، که رعایت آن واجب است؛ ولی مقلد می‌تواند به جای آن، به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد، از دیگران اعلم است، مراجعه کند.

احتیاط مستحب: احتیاطی است همراه با فتوای مجتهد، که رعایت آن خوب است؛ ولی واجب نیست و مقلد نمی‌تواند در آن مسأله، به مجتهد دیگر رجوع کند.

اعلم: مجتهدی که نسبت به سایر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت احکام الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را استنباط کند و به اوضاع زمان خود، از دیگران آگاه‌تر باشد.

احراز: به دست آوردن، یقین پیدا کردن به چیزی.

فتوا: اظهار نظر نهایی مجتهد در مسائل شرعیّه.

عدول کردن: برگشتن؛ بازگشتن؛ إعراض کردن.

آب گُر: مقدار معینی از آب است که اگر در ظرفی به درازا و پهنا و گودی سه و جب و نیم بریزند، آن ظرف را پر کند که معادل ۳۸۴ لیتر است.

آب قلیل: آبی است که از کر کمتر باشد و از زمین هم نجوشد.

آب مطلق: آبی است که از چیزی گرفته نشده و با چیزی هم مخلوط نشده است و اگر هم مخلوط شده، به حدی نیست که به آن آب نگویند.

غُساله: آبی که برای شستن چیزی بکار رفته است، چه از آن چیز جدا شده باشد و چه در آن باقیمانده باشد.

تَخَلّی: بول و غائط کردن (دستشویی رفتن).

إستبراء: استبراء از بول: عملی مستحب که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می‌دهند. که سه مرحله دارد:

مرحله اول: با دست چپ سه مرتبه از مخرج غائط تا ابتدای آلت کشیدن.

مرحله دوم: سه مرتبه از ابتدای آلت تا سرختنه گاه کشیدن.

مرحله سوم: سه مرتبه سر آلت را فشار دادن.

إستبراء از منی: ادرار کردن پس از خروج منی (برای اطمینان از اینکه ذرات منی در مجرای بول نمانده باشد).

إستبراء حیوان نجاست خوار: بازداشتن حیوان نجاست خوار از خوردن نجاست، تا وقتی که به خوراک طبیعی خود عادت کند.

مُوالات: پی در پی انجام دادن و فاصله ایجاد نکردن بین دو عمل.

حَدَثُ أَصْغَر: هر امری که وضو را باطل کند؛ مانند: خروج بول و غائط.

حَدَثُ أَكْبَر: کاری که موجب غسل می‌شود؛ مانند: آمیزش.

مُحْتَلِم: کسی که در خواب از او منی خارج شده است.

إحتلام: خروج منی در حال خواب.

مبطلات: اموری که باطل کننده یک عمل هستند.

تقیه: هماهنگ شدن با عقاید کفار یا مخالفین در گفتار یا کردار از روی ناچاری.

تقیه مداراتی: تقیه به منظور حفظ وحدت مسلمین.

فرض، فریضه: واجب، فرض (در ارث) سهم معینی از ارث که در شریعت برای وارث معین شده است مانند سدس برای پدر و مادر.

حد ترخّص: مکانی که در آنجا اذان (بدون بلندگو و معمولی) شهر شنیده نمی‌شود.

عقد اُخوت: پیمان برادری در دین.

عاریه: عقدی است بین صاحب مال و عاریه گیرنده که طی آن، حق بهره‌برداری از چیزی بدون پرداخت عوض برای فرد دیگر حاصل می‌گردد.

ودیعه: عقدی است که بوسیله آن، مالی نزد کسی به امانت سپرده می‌شود.

بری الذمه: کسی که چیزی برگردن او نیست.

تقاص: برداشتن مال یا پول از کسی که حق انسان را گرفته و از دادن آن امتناع می‌کند.

ضمان: قراردادی است که به موجب آن، شخص، مالی را که بر ذمه ی دیگری است، تعهد می‌کند. در معنایی دیگر حقی به عهده ی انسان آمدن است مثلاً خسارتی به کسی بزنی یا آبروی کسی را ببری موجب ضمان است.



دسترسی به نسخه الکترونیک و سایر تولیدات جهادگران حوزوی

جهادگران حوزوی | راههای | ارتباطی | مجموعه

قم، بلوار محمد امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مدرسه علمیه معصومیّه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،
دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

• ۲ ۵ ۳ ۲ ۹ ۴ ۲ ۱ ۱ •

www.jahadgaranhowsavi.com



جهادگران حوزوی
JahadgaranHowzavi

